



مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیاتی

سال پنجم، شماره چهارم، شماره پیاپی ۲۰  
(ویژه‌نامه پایانی ۱۳۷۵؛ تاریخ انتشار: زمستان ۱۳۷۷)

## دیدگاه

# یادداشتی بر پایانی خوش، و خوشا آغازی دیگر

غلامرضا خسروشاهی

مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات

در تاریخ ۷۵/۱۲/۲۵ به تصویب شورای گسترش عالی عمر مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات به سر آمد. این مرکز همان مرکزی بود که همین شورا تأسیس آن را در تاریخ ۶۵/۱۲/۹ تصویب کرده بود. این شماره اخبار باید طبیعتاً گزارشگر ماجرای خوش این مرکز باشد. در این شماره سعی شده است (برای ماندن در تاریخ، البته) جمع‌بندی‌ای از فعالیت‌ها و توصیفی از نهادهای مرکز گزارش شود.

این شماره با تأخیری نزدیک به دو سال انتشار می‌یابد. در این مدت چه می‌کردیم؟ «در حال تنظیم و تکمیل این گزارش نهایی بودیم که در دنباله این یادداشت خواهد آمد.» به تنبلی، وسواس، و گیرهای خود اعتراف می‌کنیم؛ کم ندامت کنید! بالاخره، به خاطر ماندن در تاریخ، نوشتن اهمیت بسزایی دارد؛ باید درست و دقیق و جامع نوشت. اصلاً مگر نیست که همه کار را برای ماندن (و آن هم ماندن در تاریخ) انجام می‌دهیم؟ پس در این یادداشت چند نکته را در باره مرکزی که اینک دیگر نیست و هست—و شاید هم پررنگ‌تر از گذشته وجود داشته باشد—متذکر می‌شویم.

باسمه تعالی

۱. در عرصه تحقیقات، دو مدل پژوهشی در مرکز تجربه شده است:

—مدل طرح‌های تحقیقاتی غیرمقیم، موسوم به «تک‌پروژه». این نوع طرح‌ها به کسانی تعلق می‌گرفت که به دلایل گوناگون نمی‌توانستند در مرکز حضور یابند. ضابطه اصلی (شاید هم تنها ضابطه) برای سنجش میزان موفقیت این نوع پروژه‌ها ارائه مقاله‌ای قابل چاپ در یک نشریه معتبر خارجی بوده است.

—مدل طرح‌های تحقیقاتی مقیم، موسوم به «هسته تحقیقاتی». مسؤلیت این طرح‌ها به استادانی محول می‌شد که دارای پیشینه و شهرت خوب تحقیقاتی بودند. این نوع فعالیت‌های پژوهشی معمولاً با هدایت یک استاد، همراه با یک استادیار و یا تازه‌دکتر گرفته و چند دانشجوی با استعداد تحقیقاتی—که غالباً از میان دانشجویان دکترا

در این شماره:

دیدگاه

گزارشی از سازمان و فعالیت‌های مرکز

تک‌پروژه‌های تحقیقاتی

میهمانان مرکز

اطلاعیه

انتخاب می‌شدند-تحقیق می‌یافت. تمامی اعضای هسته‌ها موظف بودند در طول نیهفت که شکایتی شود و دادگاهی مطبوعاتی تشکیل شود و هیأت منصفه‌ای زمان معینی را در مرکز بگذرانند و حتی‌المقدور به‌طور جمعی به تحقیقات بپردازند؛ نه: اینجا اگر رنجشی و یا شکایتی پیش آمد، کار نشریه تمام است و ما باید در مغازه را ببندیم و «والسلام و نامه تمام» بگوییم. از طرف دیگر، اگر فقط «اخبار» را منتشر کنیم (و تنها به «که آمد و که رفت» بپردازیم) خیلی کوتاه و لوس می‌شود. در یک مرکز تحقیقاتی نوپا در کشوری جهان سومی و شاید (ان شاء الله) در حال توسعه، در ابتدای کار چه می‌گذرد؟ تقریباً هیچ یا خیلی کم! بنا بر این نقطه‌نظرها و بحث‌ها را باید منعکس کرد. باید مثلاً با معذوب بازدیدکننده و میهمان مصاحبه کرد؛ نظر پرسید و نظر داد؛ باید مثلاً از گسترش شبکه حرف زد-که ما زدیم و شد. همین‌جا بگذارید بگوییم که در آینده هر کسی بخواهد که بداند که کدام کس یا نهاد و یا مؤسسه در آغاز کار به فکر شبکه بود و آن را آورد و گسترش داد، اصطلاحات آن را بخش کرد و از مشکلات آن دم زد، ... ما بودیم-یعنی مرکز تحقیقات بود. مرحبا به این مرکز، که شورای علمی آن آوردن شبکه به ایران را در اولین نشست خود در ۸ سال پیش به تصویب رساند! راستی مرحبا به این پیشسازی! فکر می‌کنید زیاده‌روی می‌کنم در مرحبا گفتیم؟ نه؛ اشتباه می‌کنید: در اینجا معمولاً مرسوم نیست که کسی بیاید از بانی یک کار نیک و بزرگ حرفی بزند؛ ما مجبوریم خود بگوییم تا بماند به صفحه روزگار؛ اگر کمی وا دهیم، مسأله چون مسأله آینده‌داری است متولیان زیادی پیدا می‌کنند-که علی‌رغم تمامی این حرف‌ها پیدا خواهد کرد.

۲. در عرصه اقدامات در سطح ملی، مرکز به دو تجربه بسیار ارزنده دست یازید:

— تأسیس یک کتابخانه با اشتراک در حدود ۴۰۰ نشریه بین‌المللی در ریاضیات و فیزیک، و فراهم آوردن در حدود سیزده هزار عنوان کتاب. این کتابخانه در نوع خود شاید در منطقه بی‌نظیر باشد.

— تأسیس و راه‌اندازی شبکه الکترونیک برای اولین بار در ایران. با این اقدام متهورانه و پرهزینه، مرکز نقشی پیش‌تازانه ایفا کرده و پیام‌آور و راهبر اصلی این عرصه بوده است-صفحات اخبار شایع حکایتی در این زمینه است. مرکز این «وسیله بهشتی» را به‌طور رایگان در اختیار مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی قرار داد و وجدان جامعه علمی و غیرعلمی را بیدار کرد.

۳. یافتن این آغازکارها و راه‌کارها نیازمند رایزنی‌ها و کنکاش‌های مداوم بوده و در این مورد همکاری رئیس و شورای علمی مرکز-که در یک رابطه ارگانیک با هم کار می‌کردند-بسیار مؤثر و حیاتی بوده است. به خاطر داشته باشید که در عرصه تحقیقات در زمینه‌های ریاضیات و فیزیک نظری، این اولین مرکزی است که در این کشور پهن‌آور و تاریخی بر پا شده است. در بررسی سرگذشت «علم» در ایران، به نظر می‌رسد که این اتفاقی بی‌سابقه باشد: بدون اینکه جیره‌خوار درباری باشی، یا باج‌ده و وامدار ملیکی یا راهزنی (که هر وقت خواست سرت را از بیخ بکند)، در جایی امن-که منت و نازت را هم می‌کشند-بنشین و در ریاضیات و فیزیک تحقیق کنی. این واقعاً بی‌سابقه است. سرمایه‌گذاری در علوم محض و نظری در کشورهای جهان سوم بسیار به‌ندرت اتفاق می‌افتد؛ معمولاً این نوع بینش وجود ندارد یا کم وجود دارد. غالباً سیاستمداران عملگرا هستند؛ دور را نمی‌بینند، و یا می‌بینند و به صرفشان نیست که با آن کاری داشته باشند. پس، اولاً برپایی این مرکز خود تجربه‌ای بسیار گرانبها و شجاعانه و متهورانه بوده است و آن را باید در تاریخ ایران گامی کم‌نظیر در گسترش علم دانست؛ ثانیاً مرکز نیز-الحق و الانصاف-به رسالت خود در عرصه‌های گوناگون حتی‌المقدور خوب عمل کرده است.

۴. و به مشکل نوشتن و انتشار این نوع نشریات-مثل همین اخبار-نیز توجه کنید، لطفاً. از یک طرف باید جوری نوشت که به کسی بر نخورد، زیرا نباید بخواهیم تعداد انگشت‌شماری هم که محقق در این کشور وجود دارد برنجند و بروند دنبال حق‌التدریسی زندگی کردن-که این ضایع می‌کند کار را-و یا شکایت صاحب قلم را نزد این و آن ببرند که «دیدید فلانی چه نوشته؟! اینجا مسأله جالب‌تر است و مثل داستان روزنامه‌های کثیرالانتشار

۵. در عرصه علمی امروز جهان، یک شاخص عمده برای انتشار و ارزیابی نتایج تحقیقات وجود دارد، و آن انتشار نتایج پژوهش در نشریه‌های معتبر علمی است-نشریات علمی فراوانی با کیفیت‌های متفاوت منتشر می‌شود. مرکز با جا انداختن شعار معروف 'publish or perish' («چاپ کن یا بمیر!») به ترویج این دیدگاه پرداخت، و این در فرهنگ دلمرده و غیرویای علمی کشور-که علم را فقط در تشکیل اجلاس‌ها، شرکت در کنفرانس‌ها، تدریس اینجا و آنجا و «هر جا»، و داشتن «مردان علمی سال جهان» می‌داند (که تعدادشان هم در حال تزايد است...) -بس غریب است و تحولی شگرف به‌شمار می‌آید. این نشان می‌دهد که تأسیس این نوع مراکز و گسترش آنها و توجهی همه‌جانبه به آنها، می‌تواند شجره طیبه علم را در این کشور نیز بعد از ۲۵۰۰ سال برویاند.

۶. نگران نباشید: عمر مرکز اگر به پایان آمد، در عوض به پیشنهاد رئیس آن و تصویب شورای گسترش وزارت فرهنگ و آموزش عالی، جای مرکز را مؤسسه‌ای با نام «پژوهشگاه دانش‌های بنیادی» گرفت. این پژوهشگاه دارای چهار پژوهشکده ریاضیات، فیزیک، سیستم‌های هوشمند، و علوم کامپیوتر است که فعلاً سه تای اول دایر شده‌اند. هر کدام از این پژوهشکده‌ها از استقلال نسبی برخوردارند و به پیش می‌تازند، با افقی روشن‌تر و با ایده‌ها و برنامه‌هایی وسیع‌تر. باید بگوییم اللهم اجعل عواقب امورنا خیرا!

۷. در پایان مقال، لازم است به کلیه پژوهشگران دانش‌های بنیادی، اعم از پیر و برنا، با کمال خضوع خاطر نشان سازم که قدر این پژوهشگاه-این گوهر گرانبها-را بدانند و با صمیمیت و از روی خلوص و عشق با آن همکاری کنند. اگر روزنه‌ای به سوی نور باشد-که هست-مسلماً در این پژوهشگاه واقع است. باید پژوهشگران بیایند و به کار پردازند و علم تولید کنند تا شاید از این راه دست‌ان این کشور چند هزار ساله به کاروان به پیش‌تازنده علم و معرفت جهانی برسد. در این مورد این آیه شریفه قرآن را به خاطر بیاورید: و الذین جاهدوا فینا لنهدیهم سبیلنا . . .

## اعضای شورای علمی مرکز در دوره‌های مختلف



محمدجواد لاریجانی



مهدی گلشنی



تاهین روحانی



حسام‌الدین ارفعی



فرهاد اردلان



امیدعلی نهنی کرمزاده



سیاوش نهشانی



مهدی رجبعلی‌پور



غلامرضا خسروشاهی



محمود حصارکی